

سایت گزارش می‌دهد:



## افزایش صادرات نفت ایران در شرایط جنگی

روزنامه

یکشنبه-۱ تیر ۱۴۰۴-سال یازدهم- شماره ۲۲۳۱- قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

www.Eghtesadsaramad.ir

اطلاعیه شماره ۱۵ سپاه پاسداران:

## انهدام مواضع صهیونیست‌ها توسط پهپادهای انتحاری و موشک‌های نقطه‌زن



@Eghtesadsaramad eghtesadsaramad

مقاله

## چشم‌انداز نقش آفرینی ایران در برطرف کردن معضلات دریایی

سیدعمران طباطبایی

یادداشت

### رمزگشایی از اظهارات ترامپ درباره جنگ تهران-تل‌آویو

**رضا رضایی-** درگیری رژیم صهیونیستی و ایران که در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ آغاز شد، صرفاً یک مبارزه نظامی بین دو کشور نیست؛ بلکه بازتاب رقابت‌های استراتژیک قدرت‌های بزرگ در سطوح منطقه‌ای و جهانی نیز است. در این چارچوب، موضع ایالات متحده نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به مسیر و نتایج بالقوه این درگیری ایفا می‌کند. رفتاری که ایالات متحده در طول این فرآیند از خود نشان داده، به یک مدل مداخله چندلایه و چندبعدی تبدیل شده که فراتر از الگوهای سنتی دخالت نظامی است. این مدل، شکل متمایزی از ارتباطات استراتژیک را نشان می‌دهد که در آن لفاظی‌های سیاسی، عملیات تخلیه غیرنظامیان و تکنیک‌های جنگ روانی با هم ادغام شده‌اند.

رمزگشایی از اظهارات ترامپ

اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مانند «اسرائیل در شرف پیروزی است» و «تهران را تخلیه کنید»، ممکن است در نگاه اول به عنوان اظهارات پوپولیستی حمایت به نظر برسند. با این حال، نباید نادیده گرفت که چنین لفاظی‌هایی اغلب به عنوان ابزاری استراتژیک در مواقع بحرانی به کار گرفته می‌شوند. این اظهارات صرفاً با هدف ارائه حمایت اخلاقی یا ارسال پیام‌های نمادین به مردم آمریکا نیستند، بلکه به عنوان ابزارهای روانی نفوذ در بازیگران منطقه‌ای نیز عمل می‌کنند. در این زمینه، گفتن ترامپ را می‌توان بخشی از یک استراتژی «قدرت تیز» یا زیرکانه دانست، استراتژی که به دنبال تسلط نه از طریق ابزارهای قدرت سخت متعارف، بلکه از طریق مدیریت ادراک و دستکاری روانی است. مفهوم «قدرت نرم» که توسط جوزف نای توسعه داده شده است، نفوذ از طریق جذابیت فرهنگی را در اولویت قرار می‌دهد. در مقابل، «قدرت تیز» به دنبال نفوذ در حوزه شناختی مخاطبان هدف از طریق اطلاعات نادرست، دستکاری و پیام‌رسانی هدایت‌شده است. در این زمینه، اظهارات ترامپ نمونه‌ای از نمایش قدرت است که ماهیت نرمی ندارد، اما به طور مرسوم سخت هم نیست؛

ادامه در همین صفحه

سایت منتشر می‌کند:

## کریدور «آیمک»

## در خط پایان

تبعات پاسخ قاطع موشکی ایران برای اقتصاد بندر حیفا

طی روزهای گذشته بندر حیفا، یکی از زیرساخت‌های حیاتی کریدور اقتصادی هند، خاورمیانه، اروپا و موسوم به کریدور آیمک، هدف موشک‌های دقیق و مهندسی‌شده نیروهای ایرانی قرار گرفت که هزینه‌های....

سایت گزارش می‌دهد:

## ابرپروژه چابهار-زاهدان روی ریل اجرا

چشم‌انداز ریلی توسعه تجاری

و افزایش امنیت در منطقه مَکُران

اطلاعیه شماره ۱۵ سپاه پاسداران:

## انهدام مواضع صهیونیست‌ها توسط پهپادهای انتحاری و موشک‌های نقطه‌زن

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه شماره ۱۵ خود از حمله به فرودگاه بن‌گورین، اهداف نظامی و مراکز پشتیبانی عملیاتی ارتش رژیم صهیونیستی توسط پهپادهای انتحاری و رزمی شاهد ۱۳۶ و موشک‌های نقطه‌زن خبر داد. به گزارش اقتصاد سرآمد، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در متن اطلاعیه شماره ۱۵ خود، اعلام کرد: در دقایق اولیه موج هجدهم عملیات وعده صادق ۳ علیه اراضی اشغالی، رسانه‌های داخلی رژیم از اصابت ۶ موشک از ۱۰ موشک شلیک‌شده خبر دادند. اطلاعیه شماره ۱۵ سپاه پاسداران؛ آغاز موج

هجدهم عملیات وعده صادق ۳

متن این اطلاعیه به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

موج هجدهم عملیات وعده صادق ۳ در مرکز فلسطین اشغالی و فرودگاه بن‌گورین علیه اهداف نظامی و مراکز پشتیبانی عملیاتی ارتش رژیم صهیونیستی به صورت حجم انبوهی از پهپادهای انتحاری و رزمی شاهد ۱۳۶ و موشک‌های نقطه‌زن سوخت جامد و مایع به اجرا درآمد و اهداف از پیش تعیین‌شده را به حول و قوه الهی با موفقیت نابود ساخت. لازم به ذکر است امشب چندین اسکادران از پهپادهای شاهد ۱۳۶ به صورت پیوسته در آسمان اراضی اشغالی انجام ماموریت کردند و به‌روزترین سامانه‌های پدافندی از رهگیری آنها ناتوان ماندند و صهیونیست‌ها مثل همیشه مجبور به فرار به سمت پناهگاه‌ها شدند. عملیات‌های ترکیبی موشکی پهپادی به‌صورت مستمر و هدفمند ادامه خواهد یافت.

ادامه از همین صفحه

بلکه فهری و با انگیزه‌های روانشناختی است. به ویژه در دوره‌های بحران بین‌المللی، لفاظی‌های رهبران سیاسی صرفاً برای مصرف داخلی در نظر گرفته نشده است، بلکه برای ایجاد نتایج استراتژیک در صحنه بین‌المللی نیز طراحی می‌شود. بنابراین، گفتن ترامپ چیزی بیش از پوپولیسم صرف است و این گفتن‌ها منعکس‌کننده یک عمل عمدی ارتباطات راهبردی است. چنین اظهاراتی را باید به عنوان نشانه‌ای از ابزارهای قدرت نسل جدید در مدیریت بحران درک کرد.

علاوه بر این، تخلیه شهروندان ایالات متحده از اسرائیل را نمی‌توان صرفاً به عنوان یک اقدام امنیتی بشر دوستانه یا پیشگیرانه تفسیر کرد. چنین تخلیه‌هایی، به ویژه در زمینه آماده‌سازی‌های عملیاتی پیش از جنگ، وزن نمادین و راهبردی قابل توجهی دارند. تخلیه، در این معنا، به عنوان مکانیسمی عمل می‌کند که از طریق آن دولت فضای مانور ایجاد می‌کند و در حالی که همزمان پیامی ضمنی به دشمن می‌فرستد: «ما آماده‌ایم در صورت لزوم از زور استفاده کنیم، زیرا خطر تلفات غیرنظامیان را به حداقل رسانده‌ایم.» این اقدام همچنین تصویر ایالات متحده را به عنوان یک بازیگر جهانی مسئول و تنظیم‌کننده در نظر جامعه بین‌المللی تقویت می‌کند. با این حال، در زمینه جنگ روانی، چنین تخلیه استراتژیکی ممکن است به عنوان نوعی اقدام پیشگیرانه عمل کند، سیگنالی که اگر چه ماهیت غیرنظامی دارد، اما می‌تواند به ابزاری بسیار مؤثرتر از اقدام نظامی مستقیم برای بازدارندگی تبدیل شود. پویایی اصلی این نیست که آیا ایالات متحده در این درگیری مداخله نظامی خواهد کرد یا خیر، بلکه این است که تا چه حد می‌تواند از طریق ارتباطات راهبردی بر نتیجه تأثیر بگذارد. در چارچوب «بازدارندگی گسترده»، ایالات متحده به دنبال جلوگیری از حمله مستقیم ایران و اطمینان از حفظ مواضع فعلی بازیگران منطقه‌ای و وضع موجود است. این راهبرد به ابزاری پرکاربرد در سیاست خارجی ایالات متحده، به ویژه در دوران پس از جنگ سرد، تبدیل شده است.

اهداف جنگ غیر جنبشی

با این حال، بازدارندگی نمی‌تواند صرفاً بر اعلام نیت متکی باشد. برای اینکه چنین پیام‌هایی مؤثر باشند، باید تا حدی اعتبار داشته باشند. اگر بازیگران منطقی اما جسور مانند ایران این سیگنال‌های استراتژیک از سوی ایالات متحده را صرفاً بلفظ تلقی کنند، ممکن است مکانیسم بازدارندگی از بین برود و به طور بالقوه تشدید درگیری را اجتناب‌ناپذیر کند. همه این تحولات از منظر دکترین‌های جنگ روانی چندوجهی هستند. جنگ روانی نوعی درگیری است که در آن پیروزی نه تنها از طریق سلاح، بلکه از طریق ادراک، اطلاعات و گفتن‌ها دنبال می‌شود. موضع اخیر اتخاذ‌شده توسط ایالات متحده از سناریوهای جنگ کلاسیک فراتر رفته و در عوض با هدف تضعیف عزم دشمن، تقویت روحیه و انسجام متحدان و سوق دادن افکار عمومی بین‌المللی به نفع موضع خود است. در این زمینه، روایت‌های رسانه‌ای، تصمیمات تخلیه و بیانیه‌های سیاسی به عنوان اجزای یکپارچه یک استراتژی جامع «جنگ بدون جنگ» عمل می‌کنند. در ادبیات نظامی مدرن، چنین تاکتیک‌هایی اغلب به عنوان «جنگ غیر جنبشی» شناخته می‌شوند و به ویژه در محیط‌هایی که قدرت‌های بزرگ به دنبال جلوگیری از رویارویی مستقیم هستند، مؤثر بوده‌اند. رویکرد چندبعدی ایالات متحده را می‌توان به عنوان بخشی از تلاش گسترده‌تر برای تثبیت جایگاه خود در ساختار قدرت جهانی نیز تفسیر کرد. خلاء قدرت مشاهده‌شده در سال‌های اخیر، بررسی‌های زیادی را در مورد میزان نفوذ ایالات متحده در خاورمیانه برانگیخته است. از این نظر، مناقشه اسرائیل و ایران نیز می‌تواند یک فرصت راهبردی باشد، یعنی ایالات متحده بدون درگیر شدن در جنگ مستقیم، در تلاش است تا ظرفیت خود را برای شکل دادن به توازن قدرت منطقه‌ای به نفع خود نشان دهد. با این حال، پایداری این استراتژی نه تنها به ثبات در گفتار، بلکه به تحولات میدانی، همسویی با متحدان و ماهیت واکنش‌های ایران نیز بستگی دارد. نگرش ایالات متحده نسبت به مناقشه اسرائیل و ایران، نوعی مداخله را نشان می‌دهد که کمتر تحت تأثیر واکنش‌های نظامی سنتی و بیشتر تحت تأثیر ارتباطات استراتژیک، جنگ روانی و بازدارندگی گسترده شکل گرفته است. این رویکرد، تمرکز را از میدان نبرد فیزیکی به حوزه شناختی، جایی که برداشت‌ها، پیام‌ها و انتظارات شکل می‌گیرند، تغییر می‌دهد.

